

Reasons for Prolongation of Detente Negotiation between Iran-Saudi Arabia Based on Christopher Hill's Theory

Ali Bagheri Dolatabadi*

Associate Professor of International Relations, Yasouj University, Iran, abagheri@yu.ac.ir

Abstract

Objective: Five years after the cut of relations between Iran and Saudi Arabia, two sides entered into talks in 2021 to de-escalate their relations and during the negotiations carried out with the mediation of China in March 2023, they agreed to restore diplomatic relations. The purpose of this article is to examine the prolongation of detent negotiations and the difficulties of the two countries in maintaining and continuing diplomatic relations. The main question of the research is, why despite the de-escalation of relations between the two sides in 1990, this round of negotiations has been followed slowly?

Method: To answer the main question, the analytical-explanatory method and the approach of applying the theory with the case have been used.

Results: Research findings show that according to Christopher Hill, it is not possible to reach an agreement until the two sides change their psychological environment. Because what is happening in the operational environment is a reflection of the two sides' perception about changing the balance of power and interest in the region.

Conclusion: Iran and Saudi Arabia need to make adjustments to their media statements in the first step. Then, in the second step when they receive new information, instead of simplicity, consistency, relying on cognitive maps, and emotional aspects and interpreting it in the past style, try to leave misperceptions, misconceptions, and misunderstandings. They should not be trapped up in the negative psychological war of media, and routine events, and raise walls of distrust with hasty comments.

Keywords: Iran, Saudi Arabia, Operational Environment, Psychological Environment, Misconceptions.

Article type: Research Article

* Received on 25 December, 2021 Accepted on 23 July, 2022

Cite this article: Bagheri Dolatabadi (2022) Reasons for Prolongation of Detente Negotiation between Iran-Saudi Arabia Based on Christopher Hill's Theory, Fall 2022, Vol.11, NO.3, 71-96.
DOI: 10.30479/psiw.2023.16710.3078

© The Author(s).



Publisher: Imam Khomeini International University.

Corresponding Author: Ali Bagheri Dolatabadi

E-mail: abagheri@yu.ac.ir

۱- مقدمه

روابط ایران و عربستان در طول چهار دهه گذشته، فراز و فرود بسیاری را تجربه کرده است. روابط دو کشور در دهه اول انقلاب، خیلی زود و با حمله عراق به ایران و پس از آن، شهادت حجاج ایرانی در سال ۱۳۶۶ به سردی گرایید؛ اما این سردی روابط، چهار سال بیشتر دوام نیاورد و در سال ۱۳۷۰، روابط مجدد احیا شد (باقری دولت‌آبادی و شفیعی سیف‌آبادی، ۱۳۹۷: ۱۲۱) حتی انفجار در پایگاه نظامیان آمریکایی در الخیر عربستان، در ۴ تیرماه سال ۱۳۷۵ که رسانه‌های غربی تلاش کردند آن را منتسب به ایران سازند نیز موجب نگردید تا روابط دو کشور قطع گردد و دو طرف توانستند با گفتگو، تنش‌های سیاسی بین خود را مدیریت نمایند. با این حال، وقوع جنبش‌های سیاسی - اجتماعی در خاورمیانه، در بهمن ۱۳۸۹، روابط ریاض - تهران را به مرحله‌ای جدید سوق داد. دوره‌ای که با ترس حاکمان عربستان، به واسطه وقوع اعتراضات سیاسی، به ساختار سیاسی این کشور همراه شد و با دستگیری شیخ نمر باقرالنمر، روحانی شیعه عربستانی و اعدام او در ۱۲ دی ماه ۱۳۹۴ و متعاقباً حمله به سفارت عربستان در تهران و کنسولگری این کشور در مشهد، قطع روابط دو کشور را رقم زد. با رخداد فوق، عملاً دو کشور وارد دوره خصومت و جنگ‌های نیابتی در سوریه، یمن و عراق گردیدند (الفقیه، ۲۰۲۱). عربستان، از داعش و القاعده، به عنوان اهرمی برای تضعیف جایگاه شیعیان در منطقه و کاستن نفوذ ایران و متحدین منطقه‌ای‌اش بهره گرفت و از هیچ تلاش سیاسی برای ضربه زدن به ایران فروگذاری نکرد (Dorsey, 2017).

حضور ترامپ در کاخ سفید و خروج از برجام در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ نیز بستر لازم را برای این سیاست‌های خصمانه فراهم ساخت. عربستان، امیدوار بود تا با سیاست «فشار حداکثری» ترامپ، قدرت منطقه‌ای ایران، رو به افول گذارد؛ اما آنچه حاصل شد، پیروزی ایران و متحدینش در سوریه و عراق و ناکامی عربستان در یمن بود (Ghantous, 2021). قتل جمال خاشقچی در ۱۰ مهر ۱۳۹۷ نیز به رسوایی سیاسی برای عربستان تبدیل شد که بر روابط آن با آمریکا و ترکیه - متحد سابق این کشور در سوریه - تأثیر گذاشت؛ تا جایی که بایدن وعده داد، بهای بیشتری برای نقض حقوق بشر توسط عربستان در نظر خواهد گرفت و دیگر تسلیحات تهاجمی، در اختیار ریاض برای حمله به یمن قرار نخواهد داد. ریاست جمهوری جدید آمریکا، حتی حوثی‌ها را از فهرست گروه‌های تروریستی در آمریکا خارج کرد (DeYoung & Sly, 2021) و ترجیح داد، به جای تماس تلفنی با محمد بن سلمان، با ملک سلمان گفتگو نماید. اقدامی که حاوی نوعی پیام سیاسی اعتراض‌آمیز به عملکرد شاهزاده جوان عربستانی بود. با پشت سر گذاشتن تحولات فوق، ریاض، روند تنش‌زدایی با ایران را آغاز کرد. سه دور اول این مذاکرات، در دولت حسن روحانی و دور چهارم و پنجم، در دولت ابراهیم رئیسی برگزار شد. نهایتاً ایران و عربستان با میانجیگری چین در ۱۹ اسفندماه ۱۴۰۱ (۱۰ مارس ۲۰۲۳) موافقت نمودند تا روابط دیپلماتیک خود را از

سر بگیرند. سؤالی که در این راستا مطرح می‌شود، این است که چرا برخلاف تنش‌زدایی در روابط دو طرف در سال ۱۳۷۰، این دور از مذاکرات، دشوار و کند پیش رفت؟ فرضیه اصلی پژوهش، ذهنیت‌های منفی ایجاد شده در طول این سال‌ها، از یکدیگر و رقابت‌های منطقه‌ای فشرده و سخت را عامل این تأخیر و دشواری مذاکره می‌داند. برای سنجش این فرضیه، از روش تحلیلی - تبیینی و رویکرد انطباق و آزمون نظریه با مصداق استفاده شده است.

۲- پیشینه پژوهش

آثار نگاشته شده پیرامون موضوع پژوهش حاضر را در دو گروه می‌توان جای داد: نخست، آثاری که به بررسی ریشه‌های تعارض در روابط ایران و عربستان پرداخته‌اند (احمدیان و کهریزی، ۱۴۰۰؛ بروجردی و عبداللهیان، ۱۴۰۱؛ نادری، احمدی و دانش‌نیا، ۱۴۰۱، Akbarzadeh, 2020; Rezaei, 2019). این آثار، اگرچه مشکلات تاریخی روابط دو کشور را مرور می‌کنند؛ اما به دشواری‌های دو طرف برای تنش‌زدایی نمی‌پردازند و به لحاظ بازه زمانی تا دوره ریاست جمهوری حسن روحانی را پوشش می‌دهند. از جمله این آثار، می‌توان به دو مقاله اشاره کرد: شهرام اکبرزاده (۲۰۲۰)، به بررسی تنش‌های رخ داده در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی پرداخته و وضعیت ایران و عربستان سعودی را در سه مؤلفه اساسی بررسی می‌کند: ایدئولوژی اسلام‌گرایی؛ روابط با آمریکا و مسأله رهبری جهان اسلام. استدلال نویسنده این است که کشورهای ایران و عربستان از زمان وقوع انقلاب اسلامی، امنیت خود را به گسترش ایدئولوژی مورد نظر خود؛ اعم از سنی و شیعه در منطقه گره زده‌اند و کوبیدن دو طرف بر طبل شکاف‌های فرقه‌ای، به گسترش روزافزون اختلافات منجر شده است (Akbarzadeh, 2020: 90-101). فرهاد رضایی (۲۰۱۹) نیز با طرح این موضوع که عربستان در نگاه رهبران انقلابی ایران، آلت دست آمریکا است، به فراز و فرودهای روابط ایران با این کشور می‌پردازد و معتقد است تا قبل از سال ۲۰۰۰، روابط دو کشور خیلی متشنج نبود؛ اما پیامدهای حمله آمریکا به عراق و همچنین جنگ سوریه، بهار عربی و اتفاقات یمن، شرایط را دگرگون کرد. نویسنده، کشته شدن زائران ایرانی در منا و اعدام شیخ نمر را دو رویداد مهم در قطع روابط دو کشور معرفی می‌کند (Rezaei, 2019: 168-171).

دسته دوم آثار نگاشته شده، مقالاتی هستند که با رویکرد ژورنالیستی، به تحولات اخیر برای تنش‌زدایی در روابط تهران - ریاض توجه نشان داده‌اند. این دسته از آثار، فاقد بحث نظری، عموماً کوتاه و با رویکرد تک‌عاملی نگاشته شده‌اند. از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تریتا پارسا (۲۰۲۱)، در تحلیلی برای نشریه سیاست خارجی،^۱ مهم‌ترین علت چرخش ۱۸۰ درجه‌ای عربستان برای تنش‌زدایی در روابط با ایران را بروز نشانه‌هایی فزاینده، مبنی بر

تغییر تمرکز آمریکا از خاورمیانه به جنوب شرق آسیا و کاهش چتر امنیتی آن، برای متحدین این کشور در منطقه می‌داند. از نظر وی، گفتگوهای تهران - ریاض در مرحله ابتدایی قرار دارد و احتمالاً نمی‌تواند شکاف بین ایران و عربستان را پر کند (Parsi, 2021). مروه عایشه کیزیل اصلان،^۱ تنش‌زدایی در روابط دو کشور را به تحولات منطقه‌ای مربوط می‌داند. او از یکسو به ظهور دولتی در تهران که خواهان روابط بهتر با همسایگان است و از سوی دیگر، به ناکامی‌های عربستان در یمن اشاره می‌کند (Kizilaslan, 2021). احسان فقیه، در تحلیلی برای پایگاه عربی آناتولی، تصمیم عربستان برای تنش‌زدایی در روابط خود با ایران را به پروژه نئوم^۲ و نیازهای مالی این کشور مرتبط می‌سازد. او می‌نویسد: «عربستان سعودی، در تلاش برای پایان دادن به جنگ یمن است تا خود را وقف پروژه‌های توسعه‌ای کند که انتقال از اقتصاد رانتی وابسته به درآمد‌های نفتی، به اقتصاد متنوع، مطابق با چشم‌انداز ۲۰۳۰ و وابسته به توسعه بخش‌های مختلف را تضمین می‌کند» (الفقیه، ۲۰۲۱). همان‌گونه که مشخص گردید، هیچ‌یک از دو دسته آثار فوق، دغدغه‌های پژوهش حاضر را پوشش نداده و مقاله حاضر هم به لحاظ موضوع و بازه زمانی پژوهش و هم رویکرد نظری انتخاب شده برای تبیین موضوع، دارای نوآوری است.

۳- چهار چوب نظری: نظریه تصمیم‌گیری

چگونگی اتخاذ تصمیم در حوزه سیاست خارجی، توسط رهبران کشورها همواره یکی از سؤالات مطرح در میان پژوهشگران حوزه روابط بین‌الملل بوده است. این دغدغه، موجب شد تا از دهه ۴۰ میلادی به بعد، مجموعه‌ای از نظریات در خصوص تحلیل سیاست خارجی مطرح گردد. برخی از پژوهشگران، همچون اسنایدر و همکاران (۱۹۴۵)، بر محیط روان‌شناسی و گروهی دیگر همچون کنت والتز (۱۹۷۹)، بر تأثیرات محیط بین‌الملل تأکید کرده‌اند. گروه سومی از پژوهشگران همچون ژوزف فرانکل (۱۹۷۰) و جیمز روزنا (۱۹۷۲)، بر این اعتقادند که ترکیبی از دو محیط روان‌شناسی و عملیاتی می‌تواند فهم بهتری از چگونگی اتخاذ تصمیم در حوزه سیاست خارجی به دست دهد. با وجود تلاش‌های فرانکل و روزنا برای تحلیل تصمیم‌گیری سیاست خارجی، انتقاداتی به هر دوی آن‌ها وارد شده است. به‌عنوان مثال؛ برخی پژوهشگران معتقدند، فرانکل به نظام سیاسی به‌عنوان بازیگر نظام بین‌المللی توجه ندارد و طرح پیشنهادی روزنا نیز در خصوص محیط عملیاتی، فاقد ساختار جدی و روشن است (سیف‌زاده، ۱۳۷۸: ۳۰۲-۳۰۳).

کریستفر هیل در کتاب «ماهیت متحول سیاست خارجی»، تلاش‌های فکری صورت گرفته در قالب نظریه تصمیم‌گیری و نظریات اسنایدر و روزنا را تکمیل کرد. او معتقد است؛ میان محیط

1. Merve Ayse Kizilaslan

2. NEOM Project

روان‌شناختی تصمیم‌گیرندگان^۱ و محیط عملیاتی^۲ آنان، تفاوتی هرچند نامعین وجود دارد و آنچه در نهایت به شکل‌گیری تصمیم‌گیری می‌انجامد، تعامل و کنش متقابل میان دو محیط نامبرده است (هیل، ۱۳۸۷: ۱۵۹). دیدگاه‌های کریستوفر هیل توانست، نظریه تصمیم‌گیری را که با انتقادات فراوان مواجه گردیده بود را بازسازی کرده و بار دیگر، کارآمدی آن برای تحلیل وقایع و پدیده‌های سیاسی را به رخ کشد. جامعیت دیدگاه فوق موجب گردید تا از آن به‌عنوان چهارچوب نظری برای تحلیل علل طولانی‌شدن و دشواری‌های تنش‌زدایی در روابط ایران و عربستان استفاده گردد. پیش از این کار، ابتدا به تشریح دیدگاه‌های هیل در خصوص هر دو محیط روان‌شناختی و عملیاتی پرداخته و آن‌گاه آن را بر موضوع مقاله منطبق خواهیم ساخت.

۳-۱. محیط روان‌شناختی

کریستوفر هیل، در بحث محیط روان‌شناختی، به دو بُعد جنبه‌های شناختی ذهن انسان^۳ و جنبه‌های عاطفی^۴ (ریشه‌های احساسی رفتار) می‌پردازد. مقصود او از جنبه‌های شناختی ذهن انسان، «تصورات و برداشت‌هایی» است که دولت‌ها از یکدیگر در طول زمان به‌دست آورده و بر تصمیم‌گیری‌های آتی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. وی در همین راستا، سوءبرداشت‌ها^۵ را شیوه‌های درک و دریافت جهان و میزان تغییرپذیری شناخت ذهنی دولت‌ها از جهان تعریف می‌کند (هیل، ۱۳۸۷: ۱۵۹). امری که از نظر او، میزان معینی از آن، در هر نظام تصمیم‌گیری امری ناگزیر است؛ اما فراگیری آن در محیط روان‌شناختی تصمیم‌گیری، می‌تواند آسیب‌زا باشد (هیل، ۱۳۸۷: ۱۶۰). به باور وی، سوءبرداشت‌ها انواع مختلفی دارد: سوءبرداشت درباره نیت؛ سوءبرداشت درباره توانایی‌ها، سوءبرداشت درباره آن‌ها که به‌خوبی آن‌ها را می‌شناسیم و سوءبرداشت درباره آن‌ها که از ما دور هستند و به‌خوبی آن‌ها را نمی‌شناسیم. او سوءبرداشت‌ها را از زاویه‌ای دیگر، برخاسته از مسائل عاطفی، شناختی و سازمانی و یا آمیزه‌ای از هر سه می‌داند (هیل، ۱۳۸۷: ۱۶۱).

نقش مسائل عاطفی در بروز سوءبرداشت

به اعتقاد هیل، یکی از مشکلاتی که افراد و دولت‌ها در تصمیم‌گیری‌های خود با آن مواجه هستند، این است که با گذر زمان به شیوه نگرش خودشان به امور، دلبستگی عاطفی پیدا می‌کنند؛ لذا پذیرش اطلاعات تازه و جدید و یا آنچه برای آن‌ها جنبه تازگی دارد، به لحاظ عاطفی سخت و دشوار می‌گردد. بنابراین ترجیح می‌دهند، به همان شیوه سابق عمل نمایند. به‌عنوان مثال؛ دستگاه اطلاعاتی انگلستان در مارس ۱۹۸۲، هشدارهایی درباره حمله آرژانتین به جزایر فالکلند به

1. Psychological Environment
2. Operational Environment
3. Cognitive Aspects
4. Affective Aspects
5. Misperception

مقامات انگلستان داد؛ اما چون این هشدارها برای آن‌ها تازگی نداشت، ترجیح دادند به روال سابق آن را نادیده بگیرند (هیل، ۱۳۸۷: ۱۶۲).

نقش مسائل شناختی در بروز سوءبرداشت

برای توضیح مسائل شناختی در بروز سوءبرداشت‌ها، هیل از مفهوم «طلب همسازی»^۱ استفاده می‌کند. طلب همسازی، وقتی اتفاق می‌افتد که فرد اطلاعات تازه‌ای به دست می‌آورد که با نگرش‌های قبلی او جور در نمی‌آید؛ در نتیجه دچار نوعی احساس ناآرامی و «ناسازی‌شناختی»^۲ می‌شود. در این‌گونه مواقع، برای رهایی از این احساس ناآرامی، به بهای عدم شناخت ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های واقعیت بیرونی، آن دسته از افکاری که موجب آزرده‌گی خاطرش شده است را کنار می‌گذارد. این پدیده، بخشی از فرایند عادی پردازش اطلاعات است که در آن افراد، یکی از سه گزینه را برای اطلاعاتی که به دست آن‌ها می‌رسد، انتخاب می‌کنند: نادیده‌گرفتن اطلاعات تازه و چسبیدن به باورهای موجود؛ توجه اطلاعات تازه، به‌نحوی که با باورهای موجود، سازگار درآید و اصلاح باورها با در نظر گرفتن اطلاعات تازه (هیل، ۱۳۸۷: ۱۶۳).

نقش مسائل سازمانی در بروز سوءبرداشت

سومین عامل سوءبرداشت‌ها، تمایل به صرفه‌جویی شناختی^۳ یا ساده‌انگاری^۴ است. هیل توضیح می‌دهد؛ از نظر فکری، تمایل به امور مدیریت‌پذیر با میل به شناخت پیچیدگی‌ها در تعارض است. به همین خاطر در یک محیط سیاسی، اولی به قیمت از دست رفتن، دومی پیگیری می‌شود. بدین‌صورت که داشتن اطلاعات کارشناسی بیش از اندازه یا ریز به ریز مسائل، مانع از شناخت صحیح تصمیم‌گیرنده می‌شود و او را از رویکرد علمی و کل‌گرا بازمی‌دارد (هیل، ۱۳۸۷: ۱۶۴).

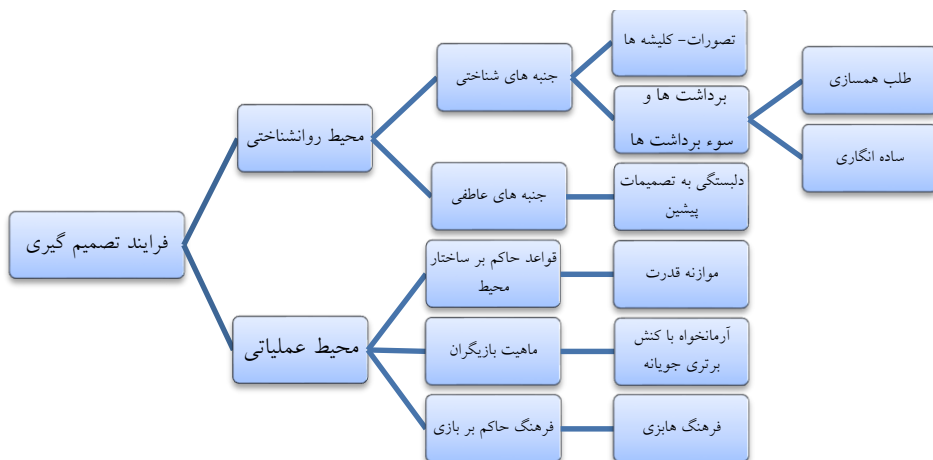
هیل، در خصوص تصورات و نقش آن در محیط روان‌شناختی نیز این‌گونه توضیح می‌دهد که «تصورات مجموعه‌ای از دریافت‌ها و برداشت‌ها هستند که به ما امکان می‌دهند، جهان را بشناسیم. این تصورات همین‌که جا بیفتند، به آرامی تغییر می‌پذیرند؛ همان‌گونه که تصورات دو ابرقدرت از یکدیگر در جریان جنگ سرد به آرامی دگرگون شد» (هیل، ۱۳۸۷: ۱۶۰). وی بر این باور است که در بیشتر موارد، تصورات تبدیل به «کلیشه»^۵ می‌شود و با از دست دادن قدرت تکامل یافتن، هرچه بیشتر از شواهد عینی دور می‌افتد. این اتفاق، در کشورهایی که سیاست خود را بر پایه «غیریت»^۶ تعریف می‌کنند، بیشتر رخ می‌دهد و مشکلات موجود را پیچیده‌تر می‌سازد (هیل، ۱۳۸۷: ۱۶۰).

1. Consistency
2. Cognitive Dissonance
3. Cognitive Economy
4. Simplicity
5. Stereo Type
6. Other

۲-۳. محیط عملیاتی تصمیم‌گیرندگان

برای کریستوفر هیل، محیط عملیاتی رویدادهایی است که مستقل از برداشت هر فرد رخ می‌دهد (هیل، ۱۳۸۷: ۱۵۹). این رویدادها، در محیطی غیرسلسله‌مراتبی و چندلایه اتفاق می‌افتند و این‌گونه نیست که اراده بازیگران در وقوع آن نقشی نداشته باشد و صرفاً برخاسته از ساختارها باشد. وی توضیح می‌دهد: «خود بازیگران تا اندازه‌ای جزء ساختارها هستند و همواره با ساختارهایی که در دل آن‌ها جای گرفته‌اند، تعامل دارند. بدین ترتیب، آن‌ها هم در دل نظام بین‌المللی و ابعاد گوناگون آن به سر می‌برند و هم از آن شکل می‌پذیرند؛ هم به تشکیل نظام و موجودیت یافتن آن کمک می‌کنند و هم نظام، دست و بال آن‌ها را می‌بندد» (هیل، ۱۳۸۷: ۲۳۳). در این شرایط، جبر و اختیار بازیگران در تصمیم‌گیری‌ها، برخاسته از طیفی از انتخاب‌های سیاسی است که لزوماً نتایج دلخواه آن‌ها را ممکن است به همراه نیاورد (هیل، ۱۳۸۷: ۳۹۵-۳۹۴). به اعتقاد وی، موفق بودن تصمیم‌گیری‌ها در این‌گونه مواقع، بستگی به «سازگاری» تصمیمات دارد. منظور از سازگاری، آن است که باید در جهان خارج، اجرای آن سیاست عملی باشد (هیل، ۱۳۸۷: ۳۹۷). دولت‌هایی در این زمان‌ها موفق‌تر هستند که بتوانند از فرصت‌هایی که در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد، بهترین استفاده را ببرند؛ لذا «باید ببینیم آن‌ها کجا و چگونه ممکن است، دست به اقدام زنند و اقدام آن‌ها چه نتیجه‌ای به بار خواهد آورد» (هیل، ۱۳۸۷: ۳۸۲). با انطباق دادن نظریه هیل بر موضوع پژوهش، می‌توان چهارچوب زیر را برای علل طولانی شدن و دشواری مذاکرات بین ایران و عربستان ترسیم کرد.

نمودار ۱: دشواری تصمیم‌گیری برای تنش‌زدایی در نظریه کریستوفر هیل



1. Combability

۴- روابط ایران و عربستان در دولت ابراهیم رئیسی

پس از یک دوره پرتنش در روابط ایران و عربستان در دوران ریاست‌جمهوری حسن روحانی، ابراهیم رئیسی از ابتدای کار، سیاست خود را گفتگو با همسایگان و بهبود روابط با آن‌ها بویژه با عربستان معرفی کرده است (رئیسی، ۱۴۰۰). به نظر می‌رسد؛ دولت ابراهیم رئیسی، از پیگیری سیاست تنش‌زدایی، چهار هدف را دنبال می‌کند: نخست، بهبود چهره ایران در منطقه؛ دوم، کاستن از فشار تحریم‌ها و ایجاد گشایش‌های اقتصادی با فعال‌سازی سیاست خارجی همسایگی؛ سوم، دور کردن کشورهای عرب منطقه از اسرائیل؛ چهارم، کاستن از نگرانی‌های آن‌ها در مورد برنامه هسته‌ای و موشکی تهران و پیشبرد آسان‌تر مذاکرات برجام. در همین خصوص، سعید خطیب‌زاده، سخنگوی سابق وزارت امور خارجه ایران، «تنش‌زدایی بین دو کشور مسلمان در منطقه خلیج-فارس» را «به نفع هر دو ملت و منطقه» دانست (Kizilaslan, 2021) و حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه، آن را «در مسیر درست خود» توصیف نمود. او در این باره گفت: «ما به گفتگوی بیشتری نیاز داریم. ما و عربستان، به توافقات خاصی در موضوعات مشخص رسیدیم و از این گفتگو استقبال می‌کنیم. گفتگوی ما با عربستان، به نفع منطقه است و این گفتگویی سازنده است. ایران و عربستان، دو کشور مهم هستند و نقش بسیار مهمی در تثبیت امنیت منطقه دارند» (امیرعبداللهیان، ۱۴۰۰).

در نقطه مقابل مقامات عربستان، پیام‌های مثبتی برای ازسرگیری روابط دو کشور ارسال کردند. ملک سلمان بن عبدالعزیز، پادشاه عربستان سعودی، در نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در این باره گفت: «ایران، یک کشور همسایه است و ما امیدواریم که مذاکرات اولیه ما با آن‌ها، به نتایج ملموسی برای اعتمادسازی و هموار کردن راه منجر شود. ما به دنبال دستیابی به آرمان‌های دو ملت در ایجاد روابط همکاری جویانه، براساس پایبندی به اصول و قوانین، حقوق بین‌الملل، احترام به حاکمیت و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر هستیم» (هاشم، ۲۰۲۱). ولیعهد عربستان، محمد بن سلمان نیز اظهار داشته است: «ما نمی‌خواهیم ایران در شرایط سختی قرار گیرد؛ برعکس ما می‌خواهیم ایران شکوفا شود و رشد کند. ما منافع مشترکی در سوق دادن منطقه و جهان به سمت رشد و شکوفایی داریم» (Ghantous, 2021).

درخصوص اهداف عربستان از این مذاکرات، دیدگاه‌های مختلفی بیان شده است. الیزابت کندال^۱ پژوهشگر ارشد مطالعات عربی و اسلامی در کالج پمبروک آکسفورد^۲، معتقد است: «عربستان سعودی به‌شدت نیازمند یافتن راهی برای خروج از جنگ (یمن) است که هم منفور و هم غیرقابل پیروزی شده است» (Ghantous, 2021). جورجیو کافیرو^۳، تحلیل‌گر مسائل خاورمیانه نیز بر این باور است که «سعودی‌ها، متوجه شده‌اند که سیاست تقابلی آن‌ها در قبال

1. Elisabeth Kendall
2. Pembroke College
3. Giorgio Cafiero

ایران، به‌ویژه در دوره شیوع کووید-۱۹ کارساز نبوده است» (Kizilaslan, 2021). احمدیان و کهریزی، این تغییر رفتار را با مفهوم رسیدن دو طرف به نقطه «بن‌بست آزردهنده» توضیح می‌دهند. به اعتقاد آن‌ها، «گریز از یک رویارویی پرهزینه»، در اتخاذ تصمیم برای تنش‌زدایی از سوی ایران و عربستان، بی‌تأثیر نبوده است (احمدیان و کهریزی، ۱۴۰۰: ۳۷-۳۸). در همین راستا باید گفت؛ به نظر می‌رسد که ریاض، به این موضوع پی برده که ایرانی‌ها، همسایه دائمی این کشور خواهند بود و ایالات متحده، نمی‌تواند به شکل دائمی در منطقه حضور داشته باشد. بنابراین، بهتر است حتی اگر دو کشور، دید متفاوتی نسبت به تحولات منطقه دارند، با همدیگر گفتگو نمایند. این گفتگوها، می‌تواند راه را برای رهایی این کشور از بحران یمن فراهم ساخته و بر تمرکز آن بر پروژه‌های اقتصادی بلندمدت ریاض بیفزاید.

۵- علل طولانی شدن مذاکرات تنش‌زدایی با عربستان

طبق چهارچوب نظری برگرفته از دیدگاه‌های کریستوفر هیل، عوامل طولانی‌شدن و دشواری‌های پیش‌روی دولت رئیسی برای تنش‌زدایی را در دو بخش محیط روان‌شناختی و عملیاتی، می‌توان دسته‌بندی کرد. در محیط روان‌شناختی، جنبه‌های شناختی و عاطفی و در محیط عملیاتی، نقش قواعد حاکم بر بازی، قواعد حاکم بر ساختار و ماهیت بازیگران بررسی می‌گردد.

۵-۱. نقش جنبه‌های شناختی در طولانی شدن فرایند رسیدن به تفاهم

رابرت اکسلرود معتقد است؛ افراد دارای «نقشه‌های شناختی»^۱ هستند که به آسانی آن را تغییر نمی‌دهند، لذا به هنگام مواجهه با اطلاعات تازه، ترجیح می‌دهند در تصمیم‌گیری‌های خود طبق همان نقشه‌های شناختی عمل نمایند. جنیس و مان^۲ هم تأکید می‌کنند که افراد و نظام‌های سیاسی آماده‌اند تا جلوی بینش‌های ناخوشایند را بگیرند (هیل، ۱۳۸۷: ۱۶۳). آن‌ها به لحاظ عاطفی نیز نیاز دارند تا دست به این کار بزنند؛ زیرا پذیرش جنبه‌های هشداردهنده اطلاعات تازه، آرامش فکری آن‌ها را بر هم می‌زند. در ادامه، برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که می‌تواند در شکل‌گیری نقشه‌های شناختی و بینش‌های ناخوشایند ایفای نقش کند، مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۵-۱-۱. نقش تصورات و کلیشه‌ها

همان‌گونه که از زبان کریستوفر هیل نقل گردید، دولت‌ها دارای تصورات و برداشت‌هایی از یکدیگر هستند که در طول زمان به‌دست‌آورده و بر تصمیم‌گیری‌های آینده اثر می‌گذارد. تصویر نقش‌بسته در ذهن محمد بن سلمان و ملک سلمان از ایران، دولتی «انقلابی» با رفتارهای «تجدیدنظرطلبانه» در منطقه است؛ دولتی که اگر فرصت‌هایی همچون عراق پس‌اصدام برای آن فراهم شود، برای گسترش نفوذ شیعه در منطقه، از هیچ تلاشی فروگذار نخواهد کرد (IISS, ۲۰۱۱).

1. Cognitive Map
2. Jenis and Mann

158-121: 2019). جمهوری اسلامی ایران، پس از پایان جنگ تحمیلی و در دوران ریاست-جمهوری هاشمی رفسنجانی و خاتمی، کوشید تا این تصور را با ایده تنش‌زدایی و در پیش گرفتن سیاست هم‌زیستی مسالمت‌آمیز تغییر دهد؛ اما سرنگونی صدام حسین در سال ۲۰۰۳، جنگ ۳۳ روزه لبنان، جنگ ۲۲ روزه غزه و وقوع تحولات بهار عربی، یک بار دیگر، تصور پیشین را در ذهن مقامات عربستانی زنده کرد (Rezaei, 2019: 168-171). این نکته را از اظهارنظرهای محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان، به خوبی می‌توان فهمید. وی در سال ۲۰۱۸، رفتار مقامات ایران را با آدولف هیتلر مقایسه کرد و مدعی گردید: «ایران، همانند هیتلر که به دنبال توسعه طلبی بود، پروژه توسعه طلبی خود را در خاورمیانه دنبال می‌کند. بسیاری از کشورهای جهان و اروپا، تا زمانی که توسعه طلبی هیتلر اتفاق افتاد، متوجه نشدند که هیتلر چقدر خطرناک است. من نمی‌خواهم همان اتفاقات را در خاورمیانه تجربه کنم» (Hubbard, 2018).

نکته تأسف آور در روابط دو کشور، تبدیل شدن برخی تصورات اشتباه به «کلیشه‌ها» است. نمونه‌ای از این کلیشه‌ها را در خلق اصطلاح ««هلال شیعی» می‌توان یافت. واژه‌ای که بارها از زبان مقامات عربستانی و سایر رهبران عرب منطقه تکرار شده است (Schwedler & Gerner, 2006; Nasr, 2008). حمایت‌های ایران از روحانیون شیعی همچون شیخ نمر باقر النمر در عربستان، شیخ عیسی قاسم در بحرین، شیخ زکراکی در نیجریه و سیدحسین نصرالله در لبنان، در ایجاد این کلیشه بی‌اثر نبوده است. رهبرانی که همچون ایران، نسبت به سیاست‌های عربستان معترض و از حضور آمریکا در خاورمیانه و شمال آفریقا انتقاد کرده‌اند؛ جریان رسانه‌ای حاکم در غرب نیز با تکرار این گزاره که «ایران به دنبال تسلط بر خاورمیانه و کسب هژمونی در آن است»، در تثبیت این کلیشه نقش مؤثری ایفا کرده است (Meridor, 2008: 1-3). وجود همین تصویر منفی از ایران بود که باعث گردید، عربستان در پی سقوط صدام حسین، با تحریک گروه‌های سنی مذهب عراقی و حمایت از بعضی‌های این کشور، حملات سیاسی و تهدیدات امنیتی دنباله‌داری را متوجه جمهوری اسلامی نماید؛ اقدامی که موجب بروز اختلافاتی میان سیاست‌مداران ایرانی با همتایان عراقی و نیز اعتراضات مردم عراق علیه نفوذ ایران در این کشور شده است (پورا احمدی و دارابی، ۱۳۹۷: ۱۴۴).

از سوی دیگر، ایران نیز عربستان را با کلیشه‌هایی همچون «رژیم مرتجع»، «عامل دست بیگانگان»، «دولت خریول» و ... توصیف کرده است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۶؛ آل‌هاشم، ۱۴۰۰). ایران، عربستان را رژیمی می‌خواند که در حق شهروندان شیعی خود جفا روا داشته و عامل ظلم به ملت یمن شده است. بنابراین، موفقیت‌آمیز بودن تنش‌زدایی و تداوم آن در آینده، بستگی به تعدیل دو طرف در مواضع سیاسی خود دارد.

۵-۱-۲. نقش سوءبرداشت‌ها

به اعتقاد کریستفر هیل، دولت‌ها زمانی که دچار سوءبرداشت می‌گردند، برای پایان دادن آن به برخی شیوه‌ها توسل پیدا می‌کنند؛ این شیوه‌ها درخصوص رفتار عربستان در قبال ایران نیز به شرح ذیل قابل مشاهده است:

طلب‌هم‌سازی‌ها

طلب هم‌سازی برای دولت‌ها، زمانی اتفاق می‌افتد که آن‌ها اطلاعات تازه‌ای به دست می‌آورند که با نگرش‌های قبلی آن‌ها سنخیت ندارد؛ بنابراین دچار «ناسازی شناختی» می‌گردند. رخدادهایی که در ماه‌های پایانی دولت دوازدهم، مبنی بر آمادگی برای تنش‌زدایی در روابط با عربستان رخ داد، نوعی «ناسازی شناختی» برای ریاض ایجاد کرد. برای مدت پنج سال، برداشتی که آن‌ها از دولت حسن روحانی داشتند، دولتی را ترسیم می‌ساخت که به صورت آشکار و پنهان، از حوثی‌های یمن در برابر نیروهای ائتلاف به رهبری عربستان حمایت کرده است، در حمله به تأسیسات نفتی آرامکو در سال ۲۰۱۹ نقش داشته و باعث ضربه اقتصادی و حیثیتی به جایگاه عربستان در منطقه شده است (MacDonald & Bartenstein, 2021). در سوریه از سال ۱۳۹۱ به بعد، به شکلی آشکار، حضوری نظامی داشته و مانع از فروپاشی حکومت بشار اسد شده است. دولت قطر را در برابر تحریم‌های عربستان در سال ۲۰۱۷ حمایت کرده و مانع از تغییر سیاست‌های منطقه‌ای آن شده است (سروش، احمدی و بصیری، ۱۴۰۰: ۱۸۱). در کودتای سال ۲۰۱۶ ترکیه، از اردوغان حمایت کرده و پس از اتفاق افتادن رسوایی سیاسی ترور جمال خاشقچی، هم‌راستا با سیاست‌های آنکارا، زبان به انتقاد از سیاست‌های ریاض گشوده است.

برای شاهزاده جوان عربستان، پذیرش این که سیاست و رفتارهای ایران، آن هم در پایان عمر یک دولت تغییر کرده است، قابل فهم نبود. انعکاس این بی‌اعتمادی و سرگردانی را در سخنان شاهزاده عبدالله بن خالد بن سلطان آل‌سعود، نماینده عربستان سعودی در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، درخصوص رفتارهای منطقه‌ای ایران می‌توان مشاهده کرد. وی، درخصوص سیاست‌های ایران اظهار می‌دارد: «ما [در مقایسه با کشورهای غربی] خطرات بیشتری از سوی ایران در منطقه داریم؛ ایران ثابت کرده است که غیرقابل اعتماد است. دولت تهران، از دستاوردهای مالی که به لطف توافق هسته‌ای به دست آورده است، به جای اختصاص دادن آن به رفاه مردم ایران، برای «تقویت ناآرامی در منطقه» استفاده کرد» (Salama, 2021).

آن‌ها زمانی که با دولت سید ابراهیم رئیسی و سیاست همسایگی آن نیز مواجه شدند، نتوانستند با این واقعیت کنار آیند که ایران به دنبال ایجاد یک رابطه بهتر و گرم با ریاض است. لذا به جای اصلاح باورها و در نظر گرفتن اطلاعات تازه برای تصمیم‌گیری جدید، در یکسال نخست ریاست جمهوری رئیسی دو گزینه دیگر مورد اشاره کریستفر هیل را در رأس تصمیم‌گیری‌ها نشاندهند: ۱- نادیده گرفتن اطلاعات تازه و چسبیدن به باورهای قبلی؛ ۲- توجیه اطلاعات تازه، به نحوی

که با باورهای موجود سازگار درآید. در طرف مقابل و دولت روحانی نیز این ناسازی شناختی، نمایان بود. ایران، حاضر نبود بپذیرد که عربستان در حال تغییر است و نسلی از شاهزاده‌ها در این کشور، در مسند قدرت قرار گرفته‌اند که دیگر همانند اسلاف خود به سیاست و اجتماع نمی‌نگرند (بزرگمهری و نوروزی، ۱۳۹۸: ۸۴؛ عزیزیان و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۶-۸۸). این تصورات اشتباه تا زمانی که چین به عنوان میانجی میان دو طرف وارد میدان مذاکره نگردید به قوت خود باقی ماند و پس از دریافت اطلاعات صحیح و رفع سوء برداشت‌ها با میانجیگری طرف ثالث بود که تن به تنش‌زدایی دادند.

ساده‌انگاری‌ها

ساده‌انگاری در تصمیم‌گیری، زمانی رخ می‌دهد که رهبران با دو گونه وضعیت مواجه گردند: نخست؛ دستیابی به اطلاعات کارشناسی بیش از حد و جزء به جزء، به نحوی که مانع از شناخت صحیح تصمیم‌گیرنده شود. دوم؛ روبرو شدن با یک وضعیت پیچیده و غیرقابل فهم و تلاش برای درک آن وضعیت، با ساده‌سازی صورت مسأله. درخصوص عربستان، به نظر می‌رسد؛ آنچه که رخ داد، حالت دوم؛ به جای گزینه اول بود. قطع ارتباط سیاسی عربستان با ایران در سال ۱۳۹۴ و حمایت از راه‌اندازی شبکه تلویزیونی ایران اینترنشنال موجب گردید تا اطلاعاتی که این کشور در طول این مدت درخصوص ایران به دست می‌آورد، از کانال این رسانه و یا سایر مخالفین ایران باشد. بازگشت به گذشته و مرور سخنان محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان در این خصوص سودمند خواهد بود. او پیش از بروز ناآرامی‌های سیاسی در دی ماه ۱۳۹۶ و آبان ۱۳۹۸ در ایران گفت: «امکان ندارد با قدرتی که برای بازگشت امام مهدی [عج] برنامه‌ریزی می‌کند، گفتگو کرد. چگونه با نظامی که بر اساس ایدئولوژی افراطی ساخته شده است، می‌شود گفتگو کرد ... نظامی که به دنبال کنترل سرزمین مسلمانان و توسعه فرقه جعفری دوازده امامی در جهان اسلام است؟ ایدئولوژی ایران، بر این مبنا قرار گرفته که امام مهدی [عج] می‌آید و باید برای ظهور، زمینه را آماده و جهان اسلام را کنترل کنند. ما می‌دانیم که هدف ایران، رسیدن به نقطه کانونی مسلمانان [مکه] است و ما منتظر نخواهیم ماند تا جنگ به داخل عربستان سعودی کشیده شود و تلاش می‌کنیم تا جنگ را به داخل ایران بکشانیم» (Aboudi & Fahmy, 2017).

تصور مقامات عربستانی این بود که حوادثی که در ایران در حال رخ دادن است، رخدادی شبیه بهار عربی در منطقه است که باید از آن برای تغییر نظام سیاسی در تهران سود جست. بنابراین، آن‌ها ترجیح دادند، به جای در پیش گرفتن بی‌طرفی درخصوص حوادث داخلی ایران، با حمایت رسانه‌ای، شبکه‌های مجازی و غیره، بر آتش اعتراضات بدمند و حتی به گروه‌های اپوزیسیون ایرانی نزدیک گردند (Krane, 2018). برخی از تحلیل‌گران سعودی، حتی به تبعیت از دونالد ترامپ و با بازنشر توثیقات وی «ایران را آتشفشانی درحال فوران» و «درحال فروپاشی» خواندند (Alshaiikh, 2018: 1-2). اقداماتی که از سوی مقامات ایرانی، مورد نکوهش قرار گرفت

و علی شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، آن را نوعی «جنگ نیابتی» خواند. وی در این-خصوص افزود: «بر اساس تحلیل‌های ما، حدود ۲۷ درصد از هشتگ‌های جدید علیه ایران، توسط دولت سعودی ساخته می‌شود» (Xin, 2018). در راستای دیدگاه رهبران عربستان و تقویت آن، دامنه ساده‌سازی‌های اعتراضات ایران، از سوی تحلیل‌گران عربی نیز تا جایی ادامه پیدا کرد که محمد الشیخ، روزنامه‌نگار عربستانی، در این‌باره نوشت: «اگر ایران [پس از این اعتراضات] به سمت یک دولت مدنی حرکت نکند، قطعاً فرو خواهد پاشید» (Alshaikh, 2018: 3).

تفسیر غلط از نیت‌ها

یکی از دشواری‌های عالم سیاست، فهم نیت و مقصود نویسندگان، سخنرانان و رهبران، از بیان و طرح موضوعات مختلف است. این دشواری، باعث گردیده است تا برخی پژوهشگران، به روش‌های تفسیری، قصدگرا برای یافتن نیت واقعی سوژه شناسا روی آورند (روشن، ۱۳۸۷: ۱۱-۳۵). آنچه که مانع از فهم نیت واقعی سوژه‌ها حتی در زمان حیات آن‌ها می‌گردد، عدم وجود کانال‌های سیاسی برای گفتگو و تبادل نظر است. ایران و عربستان، برای حدود پنج سال، فاقد هرگونه کانال ارتباطی برای گفتگوی مستقیم بودند. این امر موجب گردید تا دو طرف، به نیت-خوانی به جای گفتگو اقبال نشان داده و در حلقه‌ای از تفسیرهای غلط از نیت یکدیگر درگیر شوند. یکی از دشواری‌های کنونی عربستان این است که دقیقاً نمی‌داند علت استقبال ایران برای تنش‌زدایی در روابط خود با همسایگان عرب بویژه عربستان چیست؟ مشابه این مشکل را درباره برداشت از برنامه هسته‌ای و موشکی ایران نیز می‌توان دید. آنچه ایران آن را «بازدارندگی» و تلاش برای «تقویت بنیه دفاعی خود» در برابر خطر حمله احتمالی آمریکا و اسرائیل می‌خواند، عربستان، تقویت قدرت نظامی برای تهدید همسایگان تلقی می‌کند (Bagheri Dolatabadi, 2020: 226-242). در همین رابطه، محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان، در دسامبر ۲۰۲۱، در مصاحبه‌ای در حاشیه اجلاس سران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس اعلام کرد: «لازم است، در تلاش جهانی برای احیای توافق هسته‌ای با ایران، برنامه موشکی تهران نیز به‌طور جدی و مؤثر بررسی شود.» این اظهارات، همراه با آنچه این کشور و سایر اعضای شورای همکاری خلیج فارس در بیانیه پایانی اجلاس آوردند، نشان می‌دهد؛ آن‌ها نسبت به قصد و نیت ایران، از برنامه‌های نظامی خود بدبین هستند. به همین خاطر نیز در این بیانیه، با صراحت اعلام کردند: «تهاجم، علیه هریک از کشورهای عضو را تهاجم علیه همه اعضا تلقی می‌کنند» (Hürriyet Daily News, 2021).

عربستان، حتی آنچه ایران برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای می‌خواند را پیوسته خطرناک خوانده است و از متعهد ساختن ایران، برای پایبندی به برجام سخن رانده است. در این خصوص، شاهزاده عبدالله بن خالد بن سلطان آل سعود، سفیر عربستان، در اتریش و نماینده این کشور در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مقامات بلندپایه ایران را به «باج‌گیری از شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، از طریق تهدید به ترک تعهدات تهران ذیل توافق هسته‌ای» متهم کرده است. او در

این باره می‌افزاید: «عربستان، به دنبال جلوگیری از ادامه توسعه برنامه موشکی بالستیک ایران و تأمین مالی شبه‌نظامیان مسلح و نیروهای نیابتی در منطقه و در عین حال، توقف فعالیت‌های منطقه‌ای تهران است» (Salama, 2021).

تفسیر غلط از توانایی‌ها

پژوهش‌های انجام شده در خصوص عوامل درونی تأثیرگذار بر شکل‌گیری سیاست خارجی عربستان، نشان می‌دهد؛ قدرت و امنیت، دو محور شکل‌دهنده سیاست خارجی این کشور در سطح منطقه و بین‌المللی است. به اذعان محققان حوزه خاورمیانه، تمامی تمرکز تصمیم‌سازان ریاض، بر مسأله «حفظ امنیت و ایجاد موازنه با قدرت‌های رقیب و یا دشمن» متمرکز شده است (بزرگمهری و نوروزی، ۱۳۹۸: ۷۳؛ علی‌پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۷). برای شکل‌دادن موازنه، پیش از هر چیز، نیاز به ارزیابی قدرت رقیب یا دشمن است. اندازه‌گیری متغیرهای تأثیرگذار بر قدرت دولت‌ها؛ از جمله قدرت نظامی، یکی از دشواری‌های برآورد استراتژیک کشورها از یکدیگر است. وجود متغیرهایی؛ همچون رهبری، روحیه ملی، ویژگی‌های ملی، نوع فرماندهی و استراتژی‌های نظامی، این ابهامات را بیشتر می‌سازد (قوام، ۱۳۷۸: ۹۲-۹۳). با این حال، دولت‌ها ترجیح می‌دهند؛ قدرت نظامی یکدیگر را برحسب میزان بودجه اختصاص داده شده برای بخش نظامی، نوع تسلیحات خریداری شده و یا تولید شده، تعداد و تنوع آن و ... ارزیابی نمایند. انجام آزمایش‌های مختلف نظامی توسط ایران در آب‌های خلیج فارس، طی سال‌های گذشته و آزمایش انواع مختلف موشک‌ها، پهپادها، زیردریایی‌ها، شناورهای تندرو و غیره، از جمله مصادیقی است که همواره واکنش کشورهای عربی منطقه بویژه عربستان را به همراه داشته است. آن‌ها کوشیده‌اند، این ضعف را با خرید تسلیحات بیشتر و جدیدتر از غرب و تقویت پیمان‌های سیاسی - نظامی با آمریکا جبران نمایند. بارزترین و آخرین مورد از این خریدهای انبوه، در زمان ترامپ اتفاق افتاد (Borger, 2020). دامنه این تفسیر غلط از توانمندی هسته‌ای ایران، تا جایی پیش رفت که محمد بن سلمان در سال ۲۰۱۸ اظهار داشت: «عربستان به دنبال بمب هسته‌ای نیست؛ اما بدون شک، اگر ایران بمب هسته‌ای بسازد، ما در اسرع وقت آن را پیگیری خواهیم کرد» (Hubbard, 2018). جریان رسانه‌ای حاکم در غرب نیز نقش مؤثری در تثبیت این ذهنیت منفی رهبران عربستان، نسبت به ایران ایفا کرده است. این رسانه‌ها، با بزرگ‌نمایی و وارونه نشان دادن اهداف ایران، همسایگان تهران را از آن دورتر ساخته و زمینه را برای فروش بیشتر تسلیحات شرکت‌های اسلحه‌سازی غرب فراهم ساخته‌اند (Farhadi & Reisinezhad, 2020: 333-358).

۵-۲. نقش جنبه‌های عاطفی در طولانی‌شدن فرایند رسیدن به تفاهم

یکی از مشکلاتی که افراد و دولت‌ها در تصمیم‌گیری‌های خود با آن مواجه هستند، این است که با گذر زمان، به شیوه نگرش خود نسبت به امور دلبستگی عاطفی پیدا می‌کنند. تکرار یک تصمیم و تداوم آن، نوعی احساس صحیح بودن در فرد ایجاد می‌کند؛ به نحوی که اگر بخواهد در

آن تصمیم بازننگری نماید، دچار احساس ناخوشایند می‌گردد. رهبران و تصمیم‌گیران در چنین شرایطی، حتی دوست دارند تا دیگران از تصمیمات آن‌ها تمجید نموده و آن را بهترین تصمیم ممکن بخوانند تا به لحاظ عاطفی به آرامش برسند. مقامات عربستانی، طی سال‌های اخیر، شاهد این بوده‌اند که دیدگاه‌های آن‌ها درباره ایران، از سوی محمد بن زاید، محمد بن راشد، عبدالفتاح سیسی، حمد بن عیسی آل خلیفه و سایر رهبران کشورهای عربی، مورد تمجید و حمایت قرار گرفته است. به همین خاطر، مواضع خود را صحیح پنداشته و بارها بر آن تأکید ورزیده‌اند. در آخرین مورد از این مواضع، ملک سلمان در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، از تهران درخواست کرد: «هرگونه حمایت از گروه‌های تروریستی و شبه‌نظامیان فرقه‌ای را که چیزی جز جنگ، ویرانی و رنج برای همه مردم منطقه به ارمغان نیاورده‌اند، متوقف کند» (هاشم، ۲۰۲۱). مشابه این دیدگاه‌ها، پیوسته از زبان تحلیل‌گران سیاسی عربستانی نیز بیان شده است. به‌عنوان مثال؛ سلیمان العقیلی، تحلیل‌گر سعودی، اظهار می‌دارد: «ایجاد روابط خوب دوجانبه، منوط به احترام ایران به کنوانسیون‌های بین‌المللی و توقف تهدید همسایگان و کمک به بحران‌های کنونی است؛ اما پروژه صدور انقلاب در قانون اساسی ایران، اجازه نمی‌دهد تهران یک کشور عادی باشد» (هاشم، ۲۰۲۱). بر این اساس، ریاض تلاش کرده تا به جای گفتگو و تفاهم، راه تقابل سیاسی و اقتصادی با ایران در منطقه خاورمیانه را در پیش بگیرد (Nuruzzaman, 2012: 543-546). در طرف مقابل نیز ایران، پیوسته در گفتگمانی از بالا به پایین اسیر گردیده و مدیریت عربستان را در امور مختلف، از اداره حرمین شریفین گرفته تا بحران‌های منطقه‌ای مورد انتقاد قرار داده است. مقامات ایرانی، طی چهار دهه گذشته، پیوسته تلاش کرده‌اند تا ریاض را «نصیحت» کنند و بر انجام این کار همچنان اصرار دارند. حال آن که این نکته مغفول مانده است؛ حتی در صورت خیر و صلاح بودن این نصیحت‌ها، بیان آن از تریبون‌های عمومی مختلف، غرور عربی رهبران عربستان را نادیده گرفته و مانع از پذیرش آن از سوی طرف مقابل می‌گردد.

۵-۳. نقش محیط عملیاتی در طولانی شدن فرایند رسیدن به تفاهم

تصمیمات دولت‌ها، در خلأ اتفاق نمی‌افتد. آن‌ها برای هر تصمیم‌گیری، نیازمند آن هستند که واقعیت‌های میدانی را مورد مشاهده و ارزیابی قرار دهند. «سیاست خارجی، زمانی به اوج موفقیت خود می‌رسد که محیط روان‌شناختی، تصمیم‌گیری با محیط عملیاتی یکسان باشد» (سیف‌زاده، ۱۳۷۸: ۳۴۹). روزنا، با استفاده از نظریات مربوط به تشکیلات سازمانی، اظهار می‌دارد که از تعامل بین وضعیت بحرانی یا آرام درون‌سازمانی با محیط عملیاتی، چهار محیط کلی، عادی، سرزنده، باتدبیر و متشنج به دست می‌آید (Rosenau, 1972: 145-146). انطباق این چهار مدل با محیط عملیاتی که ایران و عربستان در آن قرار دارند، گویای وجود ترکیبی از دو مدل «سرزنده» و «متشنج»، با یکدیگر به جای محیط «عادی» و «باتدبیر» در خاورمیانه است. از یک سو این محیط را باید سرزنده خواند؛ زیرا شاهد ظهور ولیعهدی جوان در قدرت در عربستان

هستیم که رؤیاهای بزرگی درباره جایگاه و موقعیت آینده کشورش در خاورمیانه در سر می‌پروراند؛ ولی توانمندی‌های کنونی آن، برای تحقق بخشیدن به این رؤیاهای در حال حاضر کافی نیست. در نتیجه در عرصه محیطی در یمن، سوریه و عراق که آن را «مسئله امنیت ملی» می‌داند، شکست خورده است (Fozia & Majid, 2017: 192-196).

در نقطه مقابل نیز ایران قرار دارد که با وجود گذشت بیش از چهار دهه از انقلاب، همچنان در اسنادی همچون «بیانیه گام دوم انقلاب» از نظریه «دولت انقلابی» دفاع نموده و تبدیل شدن به قدرت برتر منطقه‌ای در ابعاد اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را پیگیری می‌نماید که نشان از سرزنده بودن دارد (شیرودی و پورطاهر، ۱۳۹۹: ۶۲). به موارد یاد شده، این نکته را نیز باید اضافه کرد که از یک سو محمد بن سلمان در داخل عربستان، تحت فشار است تا شهروندان کشورش را قانع سازد، جنگ در یمن دستاورد داشته و حاصل قطع روابط با تهران، موجب تغییر در رفتار طرف مقابل شده است و از سوی دیگر، در خارج با محیطی پویا و در حال تحول مواجه است که می‌طلبد، برحسب مقتضیات آن، تصمیمات جدیدی اتخاذ کند.

۵-۳-۱. ماهیت بازیگران: آرمان‌خواه با کنش برتری جویانه

در حال حاضر، هم در ایران و هم در عربستان، با دولت‌هایی روبرو هستیم که آرمان‌خواه هستند. ایران، رؤیای تبدیل شدن به «بازیگر اول منطقه» و «رهبری جهان اسلام» را در سر می‌پروراند و عربستان را یک مانع می‌بیند. برای رهبران ایران که سالیان سال، از رفتارهای کرنش‌آمیز عربستان در برابر آمریکا انتقاد کرده‌اند، پذیرش برتری عربستان در منطقه قابل قبول نخواهد بود. بهای پذیرش این شرایط، چیزی جز تضعیف قدرت شیعیان و موقعیت منطقه‌ای ایران نیست. امری که ایران برای تغییر آن، سالها تلاش کرده است (Gregory, 2007: 1-19).

در مقابل؛ عربستان به واسطه قرار داشتن شهرهای مهم اسلامی در این کشور (مکه و مدینه)، خود را خادم حرمین شریفین می‌خواند و از عنوان «رهبر جهان اسلام» برای کشورش استفاده می‌نماید. ریاض، به هیچ‌وجه حاضر به اشتراک‌گذاری این نقش با ایران نیست (Grumet, 2015: ii). وسعت جغرافیایی این کشور و توانمندی اقتصادی حاصل شده، به واسطه فروش نفت و برخورداری از حمایت‌های سیاسی آمریکا، حاکمان عربستان را مجاب ساخته است که به هیچ‌وجه نباید به چیزی جز «رهبری منطقه» قناعت نمایند. تضعیف تمرکز ساختاری آمریکا بر خاورمیانه و برجسته‌تر شدن نقش روسیه و چین در روند و پویایی‌های منطقه، دست‌یابی به این منزلت را دوچندان کرده است (حسنی و قربانی‌شیرخ نشین، ۱۳۹۹: ۲۸۱). برای آنان ایران پس از انقلاب، در نقش بازیگری ظاهر شده است که این برتری را به چالش می‌کشد؛ لذا به هر شکل باید آن را متوقف ساخت. این طرز تفکر، به همراه «کنش‌های کلامی مخاصمه‌آمیز نخبگان سیاسی و دینی دو کشور» باعث گردیده تا برخی پژوهشگران، روابط مسالمت‌آمیز در مناسبات دو دولت را

«امری زودگذر» و وقوع بحران و بازگشت آن را «امری ماندگار و بنیادین» معرفی نمایند (نادری، احمدیان و دانش‌نیا، ۱۴۰۱: ۲۹۵).

۵-۳-۲. فرهنگ حاکم بر بازی قدرت در خاورمیانه

در ادبیات روابط بین‌الملل، دو نوع بازی در روابط دولت‌ها با یکدیگر قابل احصا است: بازی با حاصل جمع صفر که برد بازیگر نخست، مساوی با باخت طرف مقابل است (Zagare & Slantchev, 2010: 2591-2610). این بازی، در محیط‌هایی اتفاق می‌افتد که نوعی فرهنگ هابزی در آن حاکم است. بر اساس فرهنگ هابزی، دولت‌ها در موقعیت ماقبل اجتماعی قرار دارند و هرکدام به دنبال بیشینه‌سازی قدرت خود برای تأمین امنیت و رفع دغدغه بقا هستند. بازی دوم، بازی با حاصل جمع متغیر (مثبت) است که هم امکان همکاری و هم تعارض در آن وجود دارد. این نوع بازی، عموماً برای هر دو طرف - بویژه پس از تکرار بازی در دفعات بسیار - نتایج مثبت به همراه دارد و نتیجه بازی به شکل برد - برد ظاهر می‌شود (Shahrabi Farahani & Sheikhmohammady, 2014: 6-8). بازی با حاصل جمع مثبت در فرهنگ سیاسی کانتی و لاکي، امکان ظهور پیدا می‌نماید. بازیگران، در چنین محیط‌هایی بر اساس قواعد و رژیم‌های بین‌المللی، تعاملات بین خود را مدیریت نموده و از تصاعد تنش‌ها جلوگیری می‌نمایند. آن‌ها ترجیح می‌دهند، به جای واگرایی، به همگرایی بیندیشند و فضای نظام بین‌الملل را مبتنی بر نظم و قاعده تعریف نمایند.

آنچه در خاورمیانه وجود دارد و به شکل فرهنگ غالب درآمده است، نوعی فرهنگ هابزی است که در آن دولت‌ها تلاش می‌نمایند، قدرت خود را به بهای کاهش امنیت دیگری افزایش دهند. بنابراین، شاهد رقابت تسلیحاتی و شکل‌گیری معماری امنیت^۱ در منطقه هستیم. نتیجه بازی دولت‌هایی همچون ایران و عربستان در این محیط، غالباً به شکل بازی با حاصل جمع صفر تعریف خواهد شد. چون هر دو بازیگر، بر اساس منطق، دستاوردهای نسبی مورد تأکید نواقح-گرایی می‌کوشند تا بیشترین منافع را از آن خود سازند (پوراحمدی و دارابی، ۱۳۹۷: ۱۲۵). وجود چنین فرهنگی، به یکی از موانع جدی همکاری و تعامل سازنده تبدیل گردیده و در فرایندهای تنش‌زدایی اخلاص ایجاد می‌نماید؛ زیرا دو طرف نمی‌توانند به سادگی به ادعاهای طرف مقابل اعتماد نمایند و در یک فرایند بی‌اعتمادی اسیر هستند. آن‌ها ترجیح می‌دهند، با حمایت از جنبش‌های سیاسی و یارگیری منطقه‌ای، طرف مقابل را تضعیف سازند (Ighani, 2016: 3).

فرهنگ هابزی حاکم بر خاورمیانه، هم به لحاظ عملی با وقوع جنگ‌های مختلف، بازسازی و احیا می‌گردد و هم به لحاظ فکری و اندیشه‌ای، با فضای بی‌اعتمادی و ترس بین دولت‌های موجود تقویت می‌شود. بنابراین، اگرچه در ظاهر به نظر می‌رسد، در تحلیل بازی‌های ریاضی در حال وقوع در خاورمیانه، آنچه بازیگران فکر می‌کنند، بر نتایج بازی تاثیر ندارد؛ اما در عمل، نوع

1. Security Dilemma

اندیشیدن بازیگران است که نتایج بازی را رقم خواهد زد. این تصورات صحیح یا اشتباه آن‌ها درباره توانایی و نیت طرف مقابل است که تصمیم‌گیری‌های آن‌ها را شکل می‌دهد. به‌عنوان مثال؛ تصور این که عربستان، توان و شهامت رویارویی با ایران را ندارد، باعث می‌گردد تا ایران، دست به حمایت از حملات پهبادی انصارالله یمن به شرکت نفتی آرامکو بزند و یا پیروزی‌های نظامی این جنبش را با نمایش تصاویر رهبران آن‌ها بر برج آزادی در تهران جشن بگیرد. نتایج پژوهش دهقانی فیروزآبادی، رستمی و دانش‌نیا (۱۴۰۰: ۲۸۱) که بر اساس روش دلفی و مشارکت ۴۰ استاد و پژوهشگر حوزه عربستان به دست آمده است، گزاره‌های فوق‌الذکر را تأیید می‌کند. حاصل طرح پژوهشی یاد شده، نشان می‌دهد؛ شاخص‌های ذهنی، هویتی و معناگرایانه، با اثرگذاری ۷۰/۶۲ درصد، بیش از شاخص‌های عینی و ژئوپلیتیک و ساختار و ماهیت نظام بین‌الملل بر روابط ایران و عربستان تأثیرگذار بوده‌اند. به‌عبارت دیگر؛ فضای ذهنی و روانی، بیش از فضای عینی و بیرونی بر روابط دو کشور موثر هستند. آنچه تاکنون در بیرون نیز محقق شده است، از سرنگونی صدام تا بهار عربی، از جنگ یمن تا تحولات سوریه، شالوده‌های فکری بدبینانه و اعتمادگریز مقامات دو کشور را انسجام و استحکام بخشیده است.

۵-۳-۳. قواعد حاکم بر ساختار خاورمیانه

بر اساس استدلال والتز در کتاب نظریه سیاست بین‌الملل، توزیع نامتوازن توانمندی‌ها، بین بازیگران و اصل سامان‌دهنده آنارشی، بازیگران را به سوی کارکردهایی مشابه در نظام بین‌الملل سوق می‌دهد (Waltz, 1979: 82-100). این کارکرد واحد، حفظ بقا و امنیت - در درجه اول با نوعی برتری بر دیگران و در بدترین شرایط، حفظ تعادل در قدرت با سایرین - خواهد بود. بازیگران منطقه‌ای همچون ایران و عربستان، می‌کوشند تا طبق توصیه والتز و مورگنتا، به شرایطی که «در آن قدرت به شکلی کم و بیش متوازن و برابر میان چند دولت توزیع شده» دست پیدا کنند (Morgenthau, 1985: 187). آنان برای این کار، به مجموعه‌ای از ائتلاف‌ها و اتحادها همچون محور مقاومت در برابر محور غرب، شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب در برابر ایران، صلح ابراهیمی و... توسل پیدا نمایند. ایران و عربستان، اگرچه در ساختار هابزی خاورمیانه اسیر گردیده‌اند؛ اما در مقام یک کارگزار، در تداوم وضع فعلی بی‌تأثیر نبوده‌اند. آن‌ها با کنش‌های سیاسی خود، این ساختار را پیوسته بازتولید کرده و به آن قوام بخشیده‌اند. ساختاری که بر اساس نتایج برخی پژوهش‌ها، محتمل‌ترین سناریو برای آن تا سال ۲۰۳۰ نظم موازنه قوا است (غفاری‌هشجین و نیکونهاد، ۱۴۰۱: ۱۰۹). بنابراین، تغییر فضای بیرونی، بیش و پیش از هر چیز، نیازمند تغییر فضای ذهنی و روانی بازیگران منطقه و جایگزینی «حسن نیت» به جای «سوء نیت» از سوی ایران و عربستان است.

۶- نتیجه‌گیری

در طول یک دهه گذشته و متأثر از حوادث منطقه‌ای همچون جنبش‌های سیاسی - اجتماعی سال ۲۰۱۱، جابجایی نخبگان در عربستان، تحولات عراق، سوریه، یمن و سیاست‌های آمریکا در منطقه، تغییراتی در محیط خاورمیانه رخ داد که سیاست ایران و عربستان را به تقابل با یکدیگر کشاند. آنان در یک محیط پرآشوب و بر اساس بازی برد - باخت، کوشیدند به بیشینه‌سازی قدرت روی آورند. به لحاظ محیط روان‌شناختی نیز هم‌زمان هر دو طرف با مجموعه‌ای از تصورات منفی، کلیشه‌ها، تصویرها و سوءبرداشت‌ها نسبت به توانایی و نیت یکدیگر احاطه شدند. در نتیجه، ایران و عربستان برای رسیدن به یک تصمیم‌گیری مطلوب در خصوص تداوم تنش‌زدایی، باید ابتدا محیط روان‌شناختی خود را تغییر دهند. آنچه برای عربستان این امر را ضروری می‌سازد، ناکامی‌ها در محیط عملیاتی است. هم‌زمان ایران نیز نیاز دارد تا برای رهایی از فشارهای سیاسی - اقتصادی بین‌المللی، روابط خود را با همسایگان بهبود بخشد. در صورتی که دو طرف نتوانند برای زدودن این تصورات و تفسیرهای غلط، از نیت و توانایی یکدیگر گامی بردارند، امکان تداوم تنش‌زدایی و حفظ روابط دیپلماتیک در آینده آسان نخواهد بود. اگرچه محیط عملیاتی می‌تواند محرک لازم برای سوق دادن کشورها به سوی مذاکرات، برای کاستن از هزینه رقابت‌های منطقه‌ای را فراهم سازد؛ اما به تنهایی کافی نیست. ریاض و تهران نیاز دارند تا در گام نخست، در مواضع و اظهارات رسانه‌ای خود تعدیل‌هایی ایجاد نمایند. بسیار مهم است که به‌هنگام مواجهه با اطلاعات تازه، دو طرف به جای تفسیر آن به شیوه گذشته و روی آوردن به ساده‌انگاری و طلب‌هم‌سازی به پیام‌ها و نشانه‌های مثبت توجه نمایند. آن‌ها نباید اسیر فضاهای منفی روانی، رسانه‌ای و رخداد‌های روزمره گردند و با اظهارنظرهای شتاب‌زده، بی‌اعتمادی را تشدید سازند. بدون شک، از سرگیری این روابط، برای هر دو طرف مطلوب و برای بازیگرانی همچون اسرائیل نامطلوب خواهد بود. بنابراین، ایجاد اقداماتی برای بی‌اعتمادسازی دو طرف به یکدیگر و تشدید فضای منفی رسانه‌ای علیه آنها از سوی این رژیم امری قابل پیش‌بینی خواهد بود و هر دو کشور باید نسبت به آن هوشیار باشند.

کتابنامه

احمدیان، قدرت؛ کهریزی، ندا (۱۴۰۰)، «ایران و عربستان؛ بلوغ منازعه و سناریو دوگانه مذاکره- فاجعه»، مطالعات بین‌المللی، ۱۸(۱): ۲۵-۴۴.

الفقیه، احسان (۲۰۲۱)، «التقارب السعودي الإيراني.. إلى أين؟» الأناضول، ۱۴ اکتوبر، <https://www.aa.com.tr/ar/>

امیرعبداللهیان، حسین (۱۴۰۰)، «امیرعبداللهیان: با عربستان به توافقات مشخصی رسیده‌ایم»، خبرگزاری تسنیم، ۱۶ مهر ۱۴۰۰، قابل دسترس در:

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1400/07/16/2585901>

آل‌هاشم، سیدمحمد علی (۱۴۰۰)، «امام جمعه تبریز: همکاری ارتجاع عرب موجب جرات رژیم صهیونیستی شده است»، خبرگزاری ایرنا، ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۰، قابل دسترس در:

<https://www.irna.ir/news/84321030>

آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۶)، «بیانات در دیدار مردم قم»، ۱۹ دی ۱۳۹۶، قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=38675>

باقری‌دولت‌آبادی، علی؛ شفیعی‌سیف‌آبادی، محسن (۱۳۹۷)، از هاشمی تا روحانی: بررسی سیاست خارجی ایران، چاپ سوم، تهران: تیسرا.

عبداللهیان، مه‌سیمما؛ بروجردی، مصطفی (۱۴۰۱)، «موفه‌ها و مبانی نظم منطقه‌ای مطلوب عربستان سعودی در غرب آسیا (۲۰۱۵-۲۰۲۰)»، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۵۰، ۹۵-۱۱۶.

بزرگمهری، مجید؛ نوروزی، مریم (۱۳۹۸)، «شکل‌گیری سیاست خارجی در عربستان سعودی: عوامل درونی تاثیرگذار»، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۹(۲): ۶۹-۱۰۶.

پوراحمدی، حسین؛ دارابی، وحید (۱۳۹۷)، «رقابت‌های ایران و عربستان در منطقه خاورمیانه بر اساس نظریه موازنه منافع شوئلر (۲۰۱۵-۲۰۱۷)»، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۸(۴): ۱۲۵-۱۵۰.

حسینی، سجاد؛ قربانی‌شیخ‌نشین، ارسلان (۱۳۹۹)، «گذار از نظم هژمونیک به نظم پسا‌هژمونیک و روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان: ۲۰۰۱-۲۰۲۰»، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۰(۳): ۲۸۱-۳۰۲.

دهقانی فیروز‌آبادی، سیدجلال؛ رستمی، فرزاد؛ دانش‌نیا، فرهاد (۱۴۰۰)، «چشم‌انداز روابط ایران و عربستان؛ سناریوهای آینده و راهکارها»، سیاست جهانی، ۱۰(۲): ۲۴۵-۲۸۸.

رئیس‌ی، سیدابراهیم (۱۴۰۰)، «رئیس‌ی: گفتگو با همسایگان، اولویت دیپلماسی دولت سیزدهم خواهد بود»، خبرگزاری ایرنا، ۲ مرداد ۱۴۰۰، قابل دسترس در:

<https://www.irna.ir/news/84414800>

سروش، حمید؛ احمدی، حسین؛ بصیری، محمدعلی (۱۴۰۱)، «پیامدهای بحران در روابط عربستان و قطر برای منافع ایران در حوزه خلیج فارس (۲۰۱۰-۲۰۲۲)»، سیاست جهانی، (۱)۱۱: ۱۸۱-۲۰۶.

سیف‌زاده، حسین (۱۳۷۸)، اصول روابط بین‌الملل، تهران: دادگستر.

شیرودی، مرتضی؛ پورطاهر، محمدتقی (۱۳۹۹)، «انقلاب مستمر، راهبردی در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۹(۳۵): ۶۲-۷۴.

عزیزیان، امید؛ رفیع، حسین؛ جعفری، علی‌اکبر (۱۴۰۱)، «استراتژی سیاست خارجی محمد بن سلمان و الزامات امنیتی آن برای ایران»، مطالعات روابط بین‌الملل، (۱)۱۵: ۷۷-۱۰۸.
علیپور، علیرضا؛ فرهادیخو، حسنا، کریمی، مرضیه (۱۳۹۷)، «تاثیرات محیط امنیت منطقه‌ای خاورمیانه بر سیاست خارجی عربستان سعودی: ۲۰۱۱-۲۰۱۵»، پژوهش ملل، ۴(۳۹): ۱-۳۸.

غفاری‌هشجین، زاهد؛ نیکونهاد، ایوب (۱۴۰۱)، «سناریوهای نظم منطقه خاورمیانه تا سال ۲۰۳۰ با تاکید بر کنشگری ایران و عربستان»، مطالعات روابط بین‌الملل، (۱)۱۵: ۱۰۹-۱۴۱.

قوام، عبدالعلی (۱۳۷۸)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، چاپ ششم، تهران: سمت.
نادری، عباس؛ احمدیان، قدرت؛ دانش‌نیا، فرهاد (۱۴۰۱)، «زمینه‌های بازآفرینی بحران در روابط ایران و عربستان سعودی»، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۱۰(۲): ۲۹۵-۳۲۱.
هاشم، مصطفی (۲۰۲۱)، «رسائل مختلطة» و شروط "أساسية" .. حظوظ المباحثات السعودية الإيرانية» الحرة، ۲۳ سبتمبر،

<https://www.alhurra.com/arabic-and-international/2021/09/23/>

هیل، کریستوفر (۱۳۸۷)، ماهیت متحول سیاست خارجی، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

References

- Abdolahian, Mahsima; Boroujerdi, Mostafa (2022), "Components and Foundations of Saudi Arabia's Desirable Regional order in West Asia (2020-2015)", **Political and International Research**, No. 50, 116-95. (in Persian)
- Ahmadian, Ghodrat, Kahrizi, Neda (2021), "Iran and Saudi Arabia; Maturity of Conflict and Duality of Negotiation –Catastrophe", **International Studies Journal (ISJ)**, Vol.18, No.1, 25-44. (in Persian)
- Akbarzade, Shahram (2020), "The Sectarian Divide in Iran-Saudi Relations", in Luciano Zaccara, **Foreign Policy of Iran under President Hassan Rouhani's First Term (2013–2017)**, Singapore: Palgrave Macmillan, 87-107.
- Al-Faqih, Ehsan (2021), "The Saudi-Iranian Rapprochement... to Where?" **Anatolia Agency**, October 14, <https://www.aa.com.tr/ar/> (in Arabic)

- Alipour, Alireza; Farhadikh, Hosna, Karimi, Marzieh (2017), "The Effects of Middle East Regional Security on Saudi Arabia Foreign Policy: 2011-2015", **Nations Research**, Vol.4, No. 39, 1-38. (in Persian)
- Alshaikh, Mohammed (2018), "Will 2018 Mark the Drawn of New Iran", **Al-Arabiya News**, 3 January, <https://english.alarabiya.net/en/views/news/middle-east/2018/01/03/Will-2018-mark-the-emergence-of-a-new-Iran-.html>
- A'le Hashem, Seyed-Mohammed Ali (2021), "The Cooperation of the Arab Countries with Israel has Given Courage to the Zionist Regime", **IRNA News Agency**, May 7, <https://www.irna.ir/news/84321030> (in Persian)
- Amir-Abdollahian, Hosein (2021), "Amir Abdollahian: We have Reached Certain Agreements with Saudi Arabia," **Tasnim News Agency**, October 8, <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1400/07/16/2585901> (in Persian)
- Azizyan, Omid, Rafie, Hosein, Jafari, Ali Akbar (2022), "Foreign Policy Strategy of Mohammed bin Salman and its Security Requirements for Iran", **Research Letter of International Relations**, Vol.15, No. 1, 77-108. (in Persian)
- Bagheri Dolatabadi, Ali (2020), "Understanding Iran's Decision-makings in Defence Issues and Missile Programme", **India Quarterly: A Journal of International Affairs**, Vol. 76, No. 2, 226-242.
- Bagheri Dolatabadi, Ali; Shafie Seifabadi, Mohsen (2017), **From Hashemi to Rouhani: Iran's Foreign Policy**, 3rd edition, Tehran: Tisa. (in Persian)
- Borger, Julian (2020), "US Approves Sale of \$290m in Bombs to Saudi Arabia", **The Guardian**, 3 December, <https://www.theguardian.com/us-news/2020/dec/30/us-approves-sale-of-290m-in-bombs-to-saudi-arabia>
- Bozorgmehri, Majid; Norouzi, Maryam (2018), "Formation of Foreign Policy in Saudi Arabia: Influential Internal Factors", **International Relations Research**, Vol. 9, No. 2, pp. 106-69. (in Persian)
- Dehghani Firouzabadi, Seyed Jalal, Rostami, Farzad, Daneshnia, Farhad (2021), "Perspectives of Iran-Saudi Arabia relations; Future Scenarios and Solutions; Using the Delphi Method", **World Politics**, Vol.10, No.2, 245-288. (in Persian)
- DeYoung, Karen; Sly, Liz (2021), "Gulf Arab States that Opposed the Iran Nuclear Deal are Now Courting Tehran", **The Washington Post**, 11 December, https://www.washingtonpost.com/world/uae-saudi-iran-diplomacy-nuclear-deal/2021/12/11/8c51edae-586c-11ec-8396-5552bef55c3c_story.html
- Dorsey, James M. (2017), "Saudi Arabia's Syria strategy: Rewriting the Middle East's Political Map", **The Huffington Post**, 11 February, https://www.huffingtonpost.com/james-dorsey/saudi-arabias-syria-strat_b_9216132.html
- Farhadi, Parisa; Reisinezhad, Arash (2020), "Media, security and the Iranian nuclear crisis", **International Journal of Media & Cultural Politics**, Vol.16, No. 3, 333-358.

- Fozia, Jan; Shazia, Majid (2017), “Yemen Crises and the Role of Saudi Arabia”, **International Journal of Arts and Humanities**, Vol. 5, No.1, 192-196.
- Frankel, Joseph (1970), **National Interest**, London: Macmillan.
- Ghaffari Hashjin, Zahed; Nikunahad, Ayoob (2022),”Scenarios of Order in the Middle East until 2030 with Emphasis on the Activism of Iran and Saudi Arabia”, **Research Letter of International Relations**, Vol.15, No.1,109-141. (in Persian)
- Ghantous, Ghaida (2021),” Saudi Crown Prince Softens Iran Rhetoric in Balancing Act”, **Reuters**, 28 April, <https://www.reuters.com/world/middle-east/saudi-crown-prince-softens-iran-rhetoric-balancing-act-2021-04-28/>
- Ghavam, Abdolali (1999), **Principle of Foreign Politics and International Politics**, Sixth Edition, Tehran: Samt. (in Persian)
- Gregory, Gause, F. (2007), “Saudi Arabia: Iraq, Iran, the Regional Power Balance, and the Sectarian Question”, **Strategic Insights**, Vol.6, No.2, 1-9.
- Grumet, Tali Rachel (2015), **New Middle East Cold War: Saudi Arabia and Iran's Rivalry**, A Thesis Presented to The Faculty of the Joseph Korbel School of International Studies University of Denver, August 2015. <https://digitalcommons.du.edu/etd/1028>
- Hasani, Sajad; Ghorbani Sheikhneshin, Arsalan (2020), “Transition from Hegemonic Order to Post-hegemonic Order and Relations between the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia (2001-2020)”, **International Relations Research**, Vol.10, No.3, 281-302. (in Persian)
- Hashem, Mostafa (2021), “Mixed Messages and Basic Conditions... Chances of the Saudi-Iranian Talks”, September 23, **Alhurra Agency**, <https://www.alhurra.com/arabic-and-international/2021/09/23/> (in Arabic)
- Hill, Christopher Robert (2008), **Foreign Policy in the Twenty-First Century**, Translated by Alireza Tayeb and Vahid Bozorg, Tehran: Institute of Strategic Studies. (in Persian)
- Hubbard, Ben (2018), “Saudi Crown Prince Likens Iran’s Supreme Leader to Hitler”, **The New York Times**, 15 March, <https://www.nytimes.com/2018/03/15/world/middleeast/mohammed-bin-salman-iran-hitler.html>
- Hürriyet Daily News (2021), “Saudi Seeks 'Serious' Approach to Iran Nuclear Programme”, **Hürriyet Daily News**, 15 December, <https://www.hurriyetaidailynews.com/saudi-seeks-serious-approach-to-iran-nuclear-programme-170082>
- Ighani, Helia (2016), “Managing the Saudi-Iran Rivalry”, **Council on Foreign Relations**, 25 October, https://www.cfr.org/sites/default/files/pdf/2016/10/Report_CPA_Saudi_Iran_Rivalry_OR.pdf
- IISS (2019), “Iran’s Networks of Influence in the Middle East”, **The International Institute for Strategic Studies**, November, pp.121-158. <https://www.iiss.org/publications/strategic-dossiers/iran-dossier/iran-19-06-ch-4-iraq>

- Khamenei, Seyed Ali (2018), “**Statements at a Meeting with the Citizen of Qom**,” January 9, <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=38675> (in Persian)
- Kizilaslan, Merve Ayse (2021), “Saudi-Iranian Diplomacy has begun to Intensify. What Does it Signify?” **Trtworld**, 4 October, <https://www.trtworld.com/magazine/saudi-iranian-diplomacy-has-begun-to-intensify-what-does-it-signify-50477>
- Krane, Jim (2018), “Saudi Arabia Gloats over Iran Unrest While Quietly Preparing for Anti-Government Protests of Its Own”, **Forbes**, 9 January, <https://www.forbes.com/sites/thebakersinstitute/2018/01/09/not-so-fast-saudi-gloats-over-iran-unrest-quietly-prepares-for-anti-government-protests-of-its-own/?sh=764ccb0051f8>
- MacDonald, Fiona; Bartenstein, Ben (2021), “Iran Quietly Pushes to Reopen Saudi Missions as Talks Inch Ahead”, **Bloomberg**, 13 October, <https://www.bloomberg.com/news/articles/2021-10-13/saudi-push-to-end-yemen-war-hinges-on-restoring-ties-with-iran>
- Meridor, D. (2008), “Sixth Session - Iran, Regional Hegemony and Proliferation”, **IISS**, <http://www.iiss.org/conference>
- Morgenthau, H.J. (1985), **Politics among Nations**, New York: Alfred Knopf.
- Naderi, Abbas; Ahmadian, Ghodrat; Daneshnia, Farhad (2022), “Areas of Recurrent Crises in the Iran-Saudi Arabia Relations”, **The Iranian Research letter of International Politics**, Vol.10, No.2, 295-321. (in Persian)
- Nasr, Vali (2006), **The Shia Revival: How Conflicts Within Islam Will Shape the Future**, Now York: Norton and Company.
- Nuruzzaman, Mohammed (2012), “Conflicts between Iran and the Gulf Arab States: An Economic Evaluation”, **Strategic Analysis**, Vol.36, No.4, 542-553.
- Parsi, Trita (2021), “Why Mohammed bin Salman Suddenly Wants to Talk to Iran” **Foreign Policy**, 29 April, <https://foreignpolicy.com/2021/04/29/saudi-arabia-iran-uae-mohammed-bin-salman-secret-talks-biden-withdrawal-pivot-middle-east/>
- Pourahmadi, Hosein; Darabi, Vahid (2019), “Competition between Iran and Saudi”, **International Relations Research**, Vol.8, No.4, pp. 125-150. (in Persian)
- Raisi, Seyed Ibrahim (2021), “Raisi: Dialogue with Neighbors will be the priority of the 13th government diplomacy”, **IRNA Agency**, July 24, <https://www.irna.ir/news/84414800> (in Persian)
- Rezaei, Farhad (2019), **Iran’s Foreign Policy after the Nuclear Agreement Politics of Normalizers and Traditionalists**, Ankara: Springer.
- Rosenau, James N. (1972), **The External Environment as a Variable in Foreign Policy Analysis**, New York: The Free Press.
- Salama, Samir (2021), “Saudi Arabia: World must Prevent Iran from Developing Missile Programme”, **Gulf News**, 14 March,

- <https://gulfnews.com/world/gulf/saudi/saudi-arabia-world-must-prevent-iran-from-developing-missile-programme-1.77821445>
- Sami Aboudi, Omar Fahmy (2017), "Powerful Saudi Prince Sees No Chance for Dialogue with Iran", **Reuters**, 2 May, <https://www.reuters.com/article/us-saudi-prince-iran/powerful-saudi-prince-sees-no-chance-for-dialogue-with-iran-idUSKBN17Y1FK>
- Schwedler, Jillian; Gerner, Deborah (2008), **Understanding the Contemporary Middle East**, Boulder: Westview Press.
- Seifzadeh, Hosein (1999), **Principles of International Relations**, Tehran: Dadgostar. (in Persian)
- Shahrabi Farahani, M.; Sheikhmohammady, M. (2014), "A Review on Symmetric Games: Theory, Comparison, and Applications", **International Journal of Applied Operational Research**, Vol. 4, No. 3, 91-106.
- Shirody, Morteza, Poortaher, Mohammad Taghi (2021), "Continuous Revolution; A Strategy in Realizing the Statement of the Second Step of the Islamic Revolution", **Islamic Revolution Research**, Vol.9, No.4, 49-65. (in Persian)
- Snyder, Richard D.; Bruck, H.W; Spain, Burton (1945), **Decision Making as an Approach to the Study of International Politics**, Princeton: Princeton University.
- Soroush, Hamid; Ahmadi, Hosein; Basiri, Mohammad Ali (2022), "Consequences of the Crisis in Saudi-Qatar Relations for Iran's Interests in the Persian Gulf (2010-2022)", **World Politics**, Vol.11, No.1, 181-206. (in Persian)
- Waltz, Kenneth (1979), **Theory of International Politics**, New York: Random House.
- Xin, Zhou (2018), "Iran Blames Saudi Arabia for Recent Unrest", **Xinhua**, 2 January, http://www.xinhuanet.com/english/2018-01/02/c_136867100.htm
- Zagare, F.C., Slantchev, B.L. (2010), "Game Theory and Other Modeling Approaches", **The International Studies Encyclopedia**, 2591-2610.